

Analysis of Social Capital of Villagers in Towards of Local Sustainable Development

Leila Avazpour*, Mahdi Pendar**, Mehdi Ghorbani***

Original Article	Receive Date: 2025 Apr 28	Accept Date: 2025 Jun 08	Page: 61-87
------------------	---------------------------	--------------------------	-------------

Abstract

Local development is a type of development that takes place at the local level and with local resources. The purpose of this type of development is to empower the local community to solve problems and organize things in their own hands. Social capital, as a multidimensional concept, has a great impact on the development and sustainability of local areas. Accordingly, the present study was conducted with the aim of analyzing the social capital of villagers in line with local sustainable development in three villages of Bastamlu, Dormeshkanloo and Shorfeh in Khodaafarin County, East Azerbaijan Province. For this purpose, using network analysis questionnaires and direct interviews with network actors (members of rural development centers in three regions), the bonds of trust and participation were examined. Macro-level indices of the network including density, centralization, reciprocity, transitivity and mean geodesic distance were calculated. The results showed that the villages of Bastamlu and Dormeshkanloo, due to their high density and relatively strong ambivalence, have coherent social structures for participatory development. In contrast, the village of Shorfeh, with its medium density and centralization and poor transaction, has a more limited development capacity. In contrast, the village of Shorfeh, with its medium density and ambivalence and poor transferability, has a more limited development capacity. Therefore, it is necessary to provide a suitable platform for participatory activities and achieving sustainable local development by providing a platform for building trust, training and strengthening the spirit of participation and collective cooperation among the members of rural development centers.

Keywords: Local Sustainable Development, Prosperity and Progress Plan, Social Capital, Social Network Analysis

JEL Classification: Q01, P30, O30, O15.

* Assistant Professor, Faculty of Governance, University of Tehran, Tehran, Iran

leila.avazpour@ut.ac.ir

** Associate Professor of Department of Agricultural Economic, Faculty of Agriculture, University of Tehran, Karaj, Iran
(Corresponding author) mpendar@ut.ac.ir

*** Professor of Department of Rehabilitation of Arid and Mountain Region, Faculty of Natural Resources, University of Tehran, Karaj, Iran mehghorbani@ut.ac.ir

تحلیل سرمایه اجتماعی روستانشینان در راستای توسعه پایدار محلی

لیلا عوض پور*، مهدی پندار**، مهدی قربانی***

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۵	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۸	شماره صفحه: ۸۰-۶۱
-------------------	--------------------------	-------------------------	-------------------

چکیده

توسعه محلی نوعی از توسعه است که در سطح محلی و با منابع محلی انجام می‌شود. هدف این نوع از توسعه توانمندسازی جامعه محلی برای حل مشکلات و سامان‌دهی امور به دست خودشان است. سرمایه اجتماعی به عنوان یک مفهوم چندبعدی، تأثیر زیادی بر توسعه و پایداری مناطق محلی دارد. بر این اساس تحقیق حاضر باهدف تحلیل سرمایه اجتماعی روستانشینان در راستای توسعه پایدار محلی در سه روستای بسطاملو، دورمشکانلو و شرفه از توابع شهرستان خداآفرین، استان آذربایجان شرقی انجام شده است. برای این منظور با استفاده از پرسشنامه‌های تحلیل شبکه‌ای و مصاحبه مستقیم با کنشگران شبکه (اعضای کانون‌های توسعه روستایی در سه منطقه)، پیوندهای اعتماد و مشارکت بررسی شدند. جامعه آماری شامل ۷۳ نفر از اعضای کانون‌های توسعه روستایی در سه روستا بود که به صورت تصادفی انتخاب گردیدند. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار UCINET و بر پایه شاخص‌های تراکم، تمرکز، انتقال‌پذیری، دوسویگی و میانگین فاصله ژئودزیک صورت گرفت. نتایج نشان داد که روستاهای بسطاملو و دورمشکانلو، به دلیل تراکم بالا و دوسویگی نسبتاً قوی، از ساختارهای اجتماعی منسجم برای توسعه مشارکتی برخوردارند. در مقابل، روستای شرفه با تراکم متوسط و دوسویگی و انتقال‌پذیری ضعیف، ظرفیت توسعه محدودتری دارد؛ بنابراین ضرورت دارد با فراهم نمودن بستر اعتمادسازی، آموزش و تقویت روحیه مشارکت و همکاری جمعی در بین اعضای کانون‌های توسعه روستایی، بستر مناسب برای انجام فعالیت‌های مشارکتی و دستیابی به توسعه پایدار محلی فراهم گردد.

واژه‌های کلیدی: تحلیل شبکه اجتماعی، توسعه پایدار محلی، سرمایه اجتماعی، طرح آبادانی و پیشرفت

طبقه‌بندی JEL: Q01, P30, O30, O15.

*leila.avazpour@ut.ac.ir

*استادیار، دانشکده حکمرانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

**mpendar@ut.ac.ir

**دانشیار گروه اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشکده‌های کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه تهران، کرج، ایران (نویسنده مسئول)

***mehghorbani@ut.ac.ir

***استاد گروه احیاء مناطق خشک و کوهستانی، دانشکده منابع طبیعی، دانشکده‌های کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه تهران، کرج، ایران

۱- مقدمه

گروه جهانی محیط زیست و توسعه در سال ۱۹۸۷ گزارشی را منتشر کرد که ره آورد مفهومی در آن مطرح کرد و آن مفهوم توسعه پایدار^۱ بود. مفهومی جدید که توانست تمامی رویکردهای دیگر که تا آن زمان غالب بودند را کنار زده و به گفتمان غالب در توسعه جوامع تبدیل شود (Mia et al. 2022). بنا بر تعریف گروه جهانی محیط زیست و توسعه، توسعه پایدار فرآیندی است به سوی پایداری (Baharuddin et al. 2021). این مفهوم را می توان در قالب مفاهیمی چون باز سازمان دهی اجتماعی، فرآیند تحول به سمت آینده بهتر، عدم به مخاطره انداختن کیفیت محیط زیست، توانمندسازی مردم، ایجاد ظرفیت های جدید، احترام به اطلاعات و دانش بومی، افزایش آگاهی ها و اطلاعات تلقی کرد که همگی به نوعی تبیین کننده ایده محوری توسعه پایدار، یعنی برآورده ساختن نیازهای نسل حاضر با در نظر گرفتن نیاز نسل های آتی است (قربانی و همکاران، ۱۳۹۷).

توسعه پایدار مفهومی است که پس از گروه جهانی محیط زیست و توسعه در سال ۱۹۸۷ به عنوان گفتمان غالب در توسعه جوامع نمود پیدا کرده است (The Sustainable Development Goals Report, 2024). در کنار مفهوم توسعه پایدار، توسعه پایدار محلی به عنوان یک اصل اساسی در راستای کمک به مردم محلی از طریق اولویت بندی نیازهایشان، فعال نمودن آن و سرمایه گذاری در زمینه ایجاد زیرساخت ها و ارائه خدمات اجتماعی، برقراری عدالت و برابری با توجه به ظرفیت های محلی مطرح شده است (Salleh, et al. 2024). توسعه پایدار محلی بر پایه توسعه اجتماعات محلی بنا می شود و حل مشکلات از درون محله با ترکیب سرمایه های طبیعی، کالبدی، انسانی و اجتماعی مقدور خواهد شد و به بیانی توسعه پایدار محلی رویکردی متوجه به اجتماعات محلی دارد و این عنصر بیشترین نقش را برای دستیابی به این مهم دارا است (Edward Tua, et al. 2022).

هرچند در راستای تحقق توسعه محلی در ایران، از دهه ۱۳۳۰ تاکنون، راهبردهای گوناگون به کار گرفته شده؛ اما همچنان بختک فقر بر پیکره جوامع روستایی و محلی کشور سایه افکنده است و مشکلاتی همچون کمبود درآمد، نبود امکانات اجتماعی مورد نیاز از جمله خدمات بهداشتی و آموزشی و نیز مهاجرت بی رویه به شهرها کاملاً ملموس است (کاظمیان و همکاران، ۱۳۹۲). به نظر می رسد که رهایی از این شرایط دشوار توجه عمومی به توسعه پایدار به مثابه "توسعه ای انسان محور و انعطاف پذیر در روستاها و مناطق محلی" و همکاری و همیاری عوامل دولتی و غیردولتی در کنار مردم جوامع روستایی به منظور اجرای اصول و راهکارهای برخاسته از شاخص های توسعه پایدار در جوامع محلی کشورمان را طلب می کند (قربانی و همکاران، ۱۳۹۷).

سرمایه اجتماعی به عنوان یک مفهوم چندبعدی، تأثیر زیادی بر توسعه و پایداری مناطق محلی دارد. ارتقاء سرمایه اجتماعی در جوامع محلی، در تعامل مستقیم با مدیریت مشارکتی قرار دارد که به مشارکت فعال تر ساکنان

روستا در تصمیم‌گیری‌های محلی می‌انجامد (Katikiro et al. 2015). درنهایت، توجه به این ابعاد می‌تواند به ارتقاء شرایط زندگی در روستاها و تحقق توسعه پایدار کمک کند (Setini et al. 2020).

برنامه آبادانی و پیشرفت منظومه‌های روستایی در قالب رویکرد آمایشی در برنامه ریزی روستایی، کوشش دارد تا ضمن توجه به دگرگونی‌های اخیر در محیط‌های روستایی و همچنین تحولات جاری در روابط و پیوندهای روستایی-شهری، چارچوبی نوین برای عرصه‌های مطالعاتی و نیز اجرایی در سطح سکونتگاه‌های روستایی کشور فراهم کند. محتوای این برنامه بر ترغیب حکمروایی محلی از طریق مشارکت مردمی و تقویت فعالیت‌ها، روابط و مناسبات کارآمد اجتماعی-اقتصادی واحدهای سکونتگاهی منظومه، هم به لحاظ درونی و بین سکونتگاهی و هم از نظر برونی و بین منظومه‌ای تأکید می‌ورزد (قربانی و همکاران، ۱۴۰۳). ارتقاء سطح مشارکت اجتماعی و تفاهم در فرآیندهای طرح‌های آبادانی با استفاده از شبکه‌های اجتماعی، به عنوان یکی از اصول حکمرانی مشارکتی، می‌تواند در تسریع روند توسعه و بهبود شرایط زندگی روستاییان مؤثر باشد.

در این پژوهش، با بهره‌گیری از روش تحلیل شبکه اجتماعی، به بررسی سرمایه اجتماعی در روستاهای تحت پوشش طرح آبادانی و پیشرفت منظومه‌های روستایی در شهرستان خداآفرین، استان آذربایجان شرقی، با تمرکز بر روابط اعتماد و مشارکت میان افراد و شبکه‌های اجتماعی محلی پرداخته شده است. باوجود تلاش‌های صورت گرفته در راستای توسعه روستایی، مشکلاتی نظیر عدم مشارکت مؤثر جامعه محلی در فرآیندهای تصمیم‌گیری و اجرای پروژه‌ها همچنان پابرجا است. این مسئله به‌ویژه در مناطق روستایی شهرستان خداآفرین مشهود است، جایی که نهادهای محلی به دلیل کمبود منابع و ظرفیت‌های لازم، نتوانسته‌اند به‌طور مؤثری اعتماد و همکاری مردم را جلب نمایند. عدم توانمندی این نهادها در برقراری ارتباطات مؤثر و ایجاد شبکه‌های اجتماعی قوی، مانع از پیشرفت پایدار و توسعه متوازن در این مناطق شده است. علاوه بر این، فقدان آگاهی و آموزش‌های لازم برای جامعه محلی در خصوص اهمیت مشارکت و نقش آن در توسعه پایدار، مزید بر علت شده است. بسیاری از افراد به دلیل عدم شناخت کافی از مزایای مشارکت فعال، تمایلی به شرکت در فرآیندهای تصمیم‌گیری ندارند. این وضعیت نه تنها باعث تداوم مشکلات اجتماعی و اقتصادی می‌شود بلکه موجب کاهش انگیزه برای همکاری و تعاملات اجتماعی نیز گردیده است؛ بنابراین، بررسی علل و پیامدهای این ناکامی‌ها و ارزیابی نقش سرمایه اجتماعی در تقویت مشارکت مردمی در راستای توسعه پایدار روستایی، به عنوان یک ضرورت اساسی در این پژوهش مدنظر قرار گرفته است. بر اساس موارد مطرح شده سؤال اصلی تحقیق به صورت زیر است: میزان سرمایه اجتماعی روستانشینان شهرستان خداآفرین به چه میزان است و این میزان سرمایه اجتماعی چگونه موجب دستیابی به توسعه پایدار محلی می‌گردد؟

۲- ادبیات تحقیق

۲-۱- مبانی نظری پژوهش

۲-۱-۱- توسعه پایدار

مفهوم توسعه پایدار در اوایل دهه ۱۷۹۱ در ادبیات توسعه وارد شد. کتاب "حدود رشد" که در سال ۱۷۹۲ منتشر شد، نگرانی‌های زیست محیطی را به بخشی جدایی ناپذیر از دستور کار جوامع انسانی تبدیل کرد. برخی نیز معتقدند که اولین بار در سال ۱۷۹۲ در اجلاس سازمان ملل مفهوم "محیط انسانی" وارد حوزه بین‌الملل شد (Salleh, et al. 2024). درعین حال اجماع عمومی در ادبیات این موضوع وجود داشته و در سال ۱۷۹۹ درگروه جهانی محیط زیست و توسعه، ارتباط مفهومی بین دغدغه‌های زیست محیطی و پیامدهای توسعه برقرار شد (Basuki, 2015). تفکر راجع به توسعه پایدار با گزارش گروه بروتلند در سال ۱۷۹۹ توسعه پیدا کرد. همچنین اجلاس‌های متعددی از جمله اجلاس سازمان ملل در سال ۱۷۷۲ در ریودوژانیرو برزیل در راستای ایجاد اجماع در مفهوم توسعه پایدار گام برداشت. در حال حاضر در پروژه هزاره سازمان ملل، پابرجایی یا پایداری به عنوان یکی از هشت هدف اصلی با ۱۹ هدف کمی و ۴۹ شاخص مطرح شده است (Manaf & Ibrahim. 2017). ارزش‌ها و اصولی که پروژه هزاره ترویج می‌کند عبارت‌اند از: آزادی، مساوات، همبستگی، مدارا، احترام به طبیعت و مسئولیت مشترک (Klarin. 2018).

۲-۱-۲- توسعه پایدار محلی

توسعه پایدار به همان میزانی که ابعاد جهانی دارد، به همان اندازه نیز دارای ابعاد محلی است؛ یعنی توسعه پایدار نوعی کنش متقابل بین فرایندهای محلی و جهانی است (اذانی و همکاران، ۱۳۹۲). حوزه‌های محلی به عنوان قاعده نظام و فعالیت ملی نقش اساسی در توسعه ملی ایفا می‌کنند؛ زیرا توسعه پایدار سرزمین درگرو پایداری نظام محلی به عنوان زیر نظام تشکیل دهنده نظام سرزمین است و پایداری فضاهای محلی در ابعاد مختلف می‌تواند نقش مؤثری در توسعه منطقه‌ای و ملی داشته باشد و اگر در جریان پیشرفت و توسعه فضاهای محلی و روستایی وقفه‌ای ایجاد شود، آثار و پیامدهای آن نه تنها حوزه‌های روستایی؛ بلکه مناطق شهری و درنهایت، کلیات سرزمین را در بر خواهد گرفت (قربانی و عوض پور، ۱۳۹۶). سرمایه اجتماعی می‌تواند به توسعه اعتماد متقابل در جامعه محلی کمک کند. این اعتماد اساسی است برای شکل‌گیری فرایندهای مشارکتی مؤثر و برقراری تعامل مثبت بین ساکنان روستاها و نهادهای محلی. سرمایه اجتماعی، بر اساس مشارکت افراد در فعالیت‌های جمعی، ترویج فرآیند مشارکت اجتماعی در توسعه روستایی را فراهم می‌کند (Lin et al. 2019). در دو دهه اخیر مفهوم سرمایه اجتماعی به واسطه ارتباطش با مؤلفه‌های بنیادین اجتماعی شامل آگاهی، مشارکت، اعتماد، انسجام و شبکه اجتماعی در راستای توسعه پایدار جوامع به ویژه جوامع محلی مورد تأکید قرار گرفته است؛ لذا برای رسیدن به توسعه پایدار محلی، برخورداری از سرمایه اجتماعی از ضروریات است (Rodríguez et al. 2022).

۳-۱-۲- سرمایه اجتماعی

از دیدگاه سنتی، سرمایه اجتماعی از سه عنصر اساسی تشکیل می‌شود: اعتماد، همکاری متقابل و شبکه‌های اجتماعی که به مثابه مزیتی است که جامعه و افراد به وسیله آن بتوانند از مشارکت و همکاری متقابل و اعتماد به یکدیگر بهره‌مند شوند (Bakel & Horak, 2024). سرمایه اجتماعی به عنوان یک مفهوم اساسی در جامعه‌شناسی، بر اساس تعاریف مختلف، اعتماد و مشارکت را به عنوان پایه‌های اصلی روابط اجتماعی پایدار معرفی می‌کند. اعتماد به عنوان یک عنصر کلیدی در ایجاد مدیریت مشارکتی و تقویت تعاملات متقابل عمل می‌کند. این مفهوم بر اساس تحقیقات ابراهیمی آذرخواهران و همکاران (۱۳۹۳)، به عنوان معیار اصلی برای آغاز همکاری‌های جمعی و توسعه شبکه‌های اجتماعی شناخته شده است. مشارکت نیز به عنوان یک بعد مهم از سرمایه اجتماعی، تعهد مشترک اعضای یک گروه برای انجام اقدامات توافقی و آگاهانه تعریف می‌شود که از طریق تعاملات دوطرفه و شناخت متقابل شکل می‌گیرد. این دو مؤلفه، یعنی اعتماد و مشارکت، با ایجاد هنجارهای غیررسمی و شبکه‌های اجتماعی، پایه‌های توسعه پایدار و همکاری‌های جمعی را تقویت می‌کنند. سرمایه اجتماعی با استفاده از همانندی‌ها و همسانی‌های افراد جامعه از جهات گوناگون، باعث ایجاد روحیه اعتماد متقابل می‌شود و در خدمت منافع توسعه پایدار در سطح ملی و محلی قرار می‌گیرد و بستر و فضایی ایجاد می‌کند که ضمن کاهش هزینه‌های استفاده از نیروهای انسانی، تعامل بین آن‌ها نیز افزایش یابد. امروزه سرمایه اجتماعی به عنوان زیربنای توسعه پایدار، نقشی بسیار مهم‌تر از سرمایه فیزیکی و انسانی در جوامع ایفا می‌کند و شبکه‌های روابط جمعی انسجام بخش میان انسان‌ها و سازمان‌ها است (اکبری و عوض پور، ۱۴۰۱).

۴-۱-۲- تحلیل شبکه اجتماعی

رویکرد تحلیل شبکه اجتماعی به عنوان روشی نوین در مطالعات اجتماعی، امکان بررسی کمی و عینی روابط میان کنشگران و شناسایی الگوهای پنهان در ساختارهای اجتماعی را فراهم می‌آورد (اکبری و عوض پور، ۱۴۰۱). این رویکرد ابزاری کمی و ریاضی است که می‌توان ساختارهای اجتماعی-اقتصادی در بین ذینفعان محلی را طراحی و تحلیل نمود. روش تحلیل شبکه‌ای بر اساس معیارها و شاخص‌های کمی قادر است روابط اجتماعی و تبادلات اقتصادی فی‌مابین افراد را در قالب یک ساختار شبکه‌ای دیداری نماید. این روش با استفاده از سنجه‌هایی همچون تراکم شبکه، مرکزیت، انتقال‌یافتگی، دوسویگی پیوندها و میانگین فاصله ژئودزیک، تصویری دقیق از وضعیت سرمایه اجتماعی و پتانسیل‌های مشارکت جمعی در جوامع هدف ارائه می‌دهد (قربانی و همکاران، ۱۴۰۳).

۲-۲- پیشینه پژوهش

۲-۲-۱- مطالعات خارجی

مطالعات متعددی برای ارزیابی اثر سرمایه اجتماعی بر فعالیت‌های جمعی و توسعه پایدار انجام شده است. کاسومانینگروم^۱ (۲۰۲۴)، در مطالعه خود باهدف بررسی شواهد تجربی در رابطه با رابطه سرمایه اجتماعی، مشارکت و توسعه نوآوری اجتماعی در روستاهای اندونزی و از طریق نظرسنجی، مشاهده غیر مشارکتی و مصاحبه‌های عمیق از ۲۸۰ نفر از جوامع روستایی در استان جاوه غربی، اندونزی و از طریق داده‌های کمی توسط مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) و فرضیه‌ها با متغیرهای موردبررسی آزمایش شدند. یافته‌ها حاکی از مثبت و معنادار بودن سرمایه اجتماعی بر مشارکت و نوآوری اجتماعی داشت.

قربانی و آزادی (۲۰۲۱)، پیوندهای ضعیفی که به‌عنوان پل عمل می‌کنند، برای جریان داده‌های جدید ضروری هستند. آن‌ها ممکن است فعالیت‌های ابزاری مانند یافتن شغل، توسعه عملکردی بیشتر یا تأثیرگذاری بر زندگی مدنی را ساده کنند.

قربانی و آزادی (۲۰۲۱)، خاطرنشان کردند که مدیریت مشترک به دو یا چند نهاد برای مدیریت هماهنگ سرمایه طبیعی نیاز دارد؛ زیرا برآورد سرمایه اجتماعی امری ضروری و چالش‌برانگیز است و یکی از سودآورترین و دقیق‌ترین راه‌ها برای ارزیابی این سرمایه، تحلیل شبکه اجتماعی است. همچنین اهمیت سرمایه اجتماعی برای کسب و کارهای اجتماعی و اهداف توانمندسازی جوامع در پژوهش‌ها موردتوجه قرار گرفته است.

رامون -هیدالگو و همکاران (۲۰۲۰)، دریافتند که جنبه‌های شناختی سرمایه اجتماعی به‌عنوان کالاهای مشارکتی (برای مثال، هنجارهای اعتماد متقابل و همکاری) ممکن است افراد را مستعد فعالیت جمعی سودمند متقابل کند. علاوه براین، ویژگی‌های ساختاری (کیفیت‌ها و ویژگی‌های شبکه‌های اجتماعی در بین مردم) ممکن است با بسیج منابع اجتماعی از طریق شبکه‌های اجتماعی، چنین فعالیتی را ترویج کند.

علاوه براین، رامون -هیدالگو و همکاران^۲ (۲۰۱۸)، در مطالعه خود تحت عنوان بررسی سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی دو قبیله در غنا، بیان کردند که ساکنانی که دسترسی بیشتری به سرمایه اجتماعی دارند، سطوح بیشتری از توانمندسازی را گزارش می‌دهند. همچنین بیان کردند که جلسات منظم رودررو، توافق بر سر اهداف و استانداردهای اجرایی، فنون حل اختلاف و فنون مسئولیت‌پذیری، فقط چند نمونه هستند که تصور می‌شود با تسهیل روابط و تقویت اعتماد بین سازمان‌های جامعه، همکاری را بهبود می‌بخشند.

طبق نظر موسونگان و سیماتل^۳ (۲۰۱۶)، در تحقیق خود تحت عنوان نقش سرمایه اجتماعی در مدیریت مشارکتی محیط‌زیست پرداختند. این مقاله با استفاده از ادبیات موجود و داده‌های میدانی و از طریق روش تحلیل شبکه

1. Kasumaningrum et al.

2. Ramón-Hidalgo

3. Musavengane & Simatele

اجتماعی، نقش سرمایه اجتماعی را در ارتقاء مدیریت منابع مشترک در مناطق قبیله‌ای کوازولو در جنوب آفریقا بررسی می‌کند. نتایج نشان داد دسترسی به منابع، انتقال اطلاعات، تحرک اجتماعی و توانایی همکاری برای راه‌حل‌های جمعی، همگی نیازمند سرمایه اجتماعی است. همچنین استدلال می‌شود که سرمایه اجتماعی می‌تواند وسیله‌ای باشد که از طریق آن می‌توان به انباشت اشکال مختلف سرمایه دست یافت و به مدیریت زیست محیطی پایدار کمک کرد. قربانی و همکاران (۲۰۱۶)، برعکس، الگوهای قابل اعتماد و رفتار متقابل با پیوندهای قوی، با نتایجی مانند حفظ سلامت جسمی و شناختی، شناخت عمومی و رضایت از زندگی پشتیبانی می‌شوند.

۲-۲-۲- مطالعات داخلی

قربانی و همکاران (۱۴۰۳)، در تحقیق خود تحت عنوان پویایی سرمایه اجتماعی شبکه ذینفعان محلی در راستای مدیریت مشارکتی روستایی در شهرستان گچساران، به بررسی سرمایه اجتماعی در راستای مدیریت مشارکتی روستایی در بین اعضای صندوق‌های خرد توسعه روستاهای چهار بیشه علیا و خیرآباد خلیفه از توابع شهرستان گچساران استان کهگیلویه و بویراحمد در قبل و بعد از اجرای طرح آبادانی و پیشرفت منظومه‌های روستایی، از طریق روش تحلیل شبکه پرداختند. نتایج نشان داد پس از اجرای پروژه میزان اعتماد، مشارکت و سرمایه اجتماعی را افزایش داده که بر مشارکت گسترده روستاییان، افزایش رفاه اجتماعی و دستیابی به توسعه پایدار روستایی اثرگذار خواهد بود. اکبری و همکاران (۱۴۰۲)، در تحقیق خود به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی شبکه‌ای و مدیریت پایدار روستایی در شهرستان قلعه گنج استان کرمان، با استفاده از روش تحلیل شبکه‌ای و سنجش شاخص‌های سطح کلان شبکه و مصاحبه مستقیم با ۲۵۱ نفر از اعضای صندوق اعتبارات خرد محلی به صورت شبکه کامل پرداختند. با توجه به نتایج می‌توان گفت اجرای پروژه توانمندسازی موجب اعتمادسازی و تقویت روحیه مشارکت و همکاری در بین اعضای صندوق‌های اعتبارات خرد شده است که این امر بر اثربخشی مطلوب رویکرد اجتماع محور در راستای افزایش سرمایه اجتماعی تأکید می‌کند؛ بنابراین برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران با بهره‌برداری از این نتایج می‌توانند برای بهبود مدیریت پایدار روستایی برنامه‌ریزی کنند.

اکبری و عوض پور (۱۴۰۱)، با تحلیل پویایی سرمایه اجتماعی در راستای تحقق توسعه پایدار محلی در شهرستان قلعه گنج بیان کردند که فراهم کردن بستر اعتمادسازی، آموزش و تقویت روحیه مشارکت و همکاری جمعی در بین سرگروه‌های صندوق‌های اعتبارات خرد ضروری است تا سرمایه اجتماعی برون گروهی غنی در این جامعه محقق شود. اسلامی و همکاران (۱۳۹۸)، نبود پل‌های ارتباطی با پراکندگی مناسب در سطح جامعه سبب می‌شود تا ابتکار و انسجام اجتماعی لازم در برخورد هوشمندانه و به موقع با مشکلات محیطی به خصوص خشک سالی کاهش یابد. به عقیده پور رضا کریم سرا و دهقان (۱۳۹۸)، سرمایه اجتماعی پل زننده و شبکه‌های پیوند مرتبط با آن موجب انسجام و پویایی جامعه کل می‌شود؛ زیرا هر توسعه‌ای در کشور مستلزم وجود جامعه‌ای منسجم و پویا است. همچنین کاهش این نوع سرمایه اجتماعی، هزینه مبادله در سطح جامعه را افزایش می‌دهد و این امر به کاهش توان اقتصادی جامعه

می‌انجامد. برعکس هرچه این نوع سرمایه اجتماعی در جامعه افزایش یابد، رفتار مردم قابل اعتمادتر و البته پیش‌بینی‌شده خواهد شد و پیش‌بینی‌پذیری رفتار کنشگران ضمن اینکه نشانگر نظم اجتماعی است، برنامه‌ریزی‌ها و مدیریت سطح کلان را تسهیل و کارآمد می‌کند.

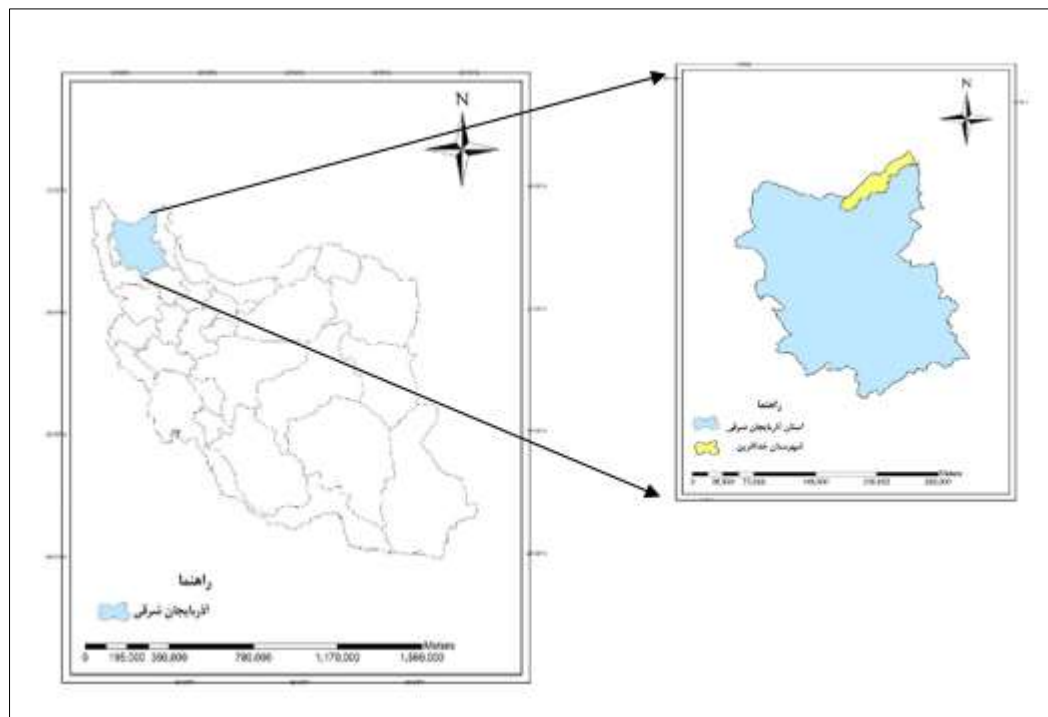
۳- روش‌شناسی پژوهش

۳-۱- معرفی طرح آبادانی و پیشرفت منظومه‌های روستایی:

دستیابی به توسعه پایدار و مستمر، مستلزم شناسایی ظرفیت‌ها و تدوین راهبردهای مناسب برای تحقق توسعه هدفمند است، بر همین اساس در کشور ایران برنامه‌های مختلفی با نگاه توسعه‌ای تدوین شده است اما عمده برنامه‌ها با رویکرد نقطه‌ای بوده و کمتر بحث شبکه‌ای و نگاه منطقه‌ای موردتوجه قرار گرفته است، با توجه به ضرورت نگاه شبکه‌ای به نواحی روستایی، طرح آبادانی و پیشرفت منظومه‌های روستایی توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و با همکاری پژوهشکده سوانح طبیعی در دوازده منطقه هدف و با اهداف ۱- توانمندسازی و ظرفیت‌سازی جوامع محلی، ۲- تأمین معیشت پایدار و فقرزدایی، ۳- آبادانی و پیشرفت پایدار، جامع‌نگر، دانش‌محور، مشارکتی و تاب‌آور در مقابله با آسیب‌پذیری‌ها در حال انجام است. قابل ذکر است که این مدل انسان‌محور، برخوردار از مؤلفه‌های جامع‌نگری، مشارکت مردم، پایداری و برنامه‌ریزی تعاملی است. راه‌اندازی صندوق‌های خرد روستایی در راستای حمایت از مشاغل خرد روستایی، برگزاری دوره‌های آموزشی برای روستاییان، اعطای تسهیلات متوسط در جهت راه‌اندازی مشاغل روستایی، انجام خدمات مختلف مانند آب‌رسانی به روستاها، بازسازی مدارس و غیره، مجموعه فعالیت‌های صورت گرفته در طرح مذکور است (قربانی و همکاران، ۱۴۰۳). در این راستا تشکیل کانون‌های توسعه روستایی به عنوان محلی جهت تصمیم‌گیری و انجام فعالیت‌های مشارکتی روستاها در نظر گرفته شد که سرگروه‌های اعضای صندوق‌های خرد توسعه روستایی را شامل می‌گردد. جامعه آماری تحقیق حاضر را ۷۳ نفر از اعضای کانون-های توسعه روستایی وابسته به سه روستای موردنظر که به صورت تصادفی انتخاب گردیدند، تشکیل دادند.

۳-۲- معرفی منطقه مورد مطالعه:

شهرستان خداآفرین در شمال شرقی استان آذربایجان شرقی بین رشته‌کوه‌های جنگلی قره‌داغ و رشته‌کوه‌های قفقاز واقع شده است. این منطقه از سمت شمال با کشور جمهوری آذربایجان و ارمنستان از سمت شرق با استان اردبیل، از سمت غرب با شهرستان جلفا و از سمت جنوب با شهرستان‌های کلیبر و ورزقان هم‌مرز است (شکل ۱). مساحت این شهرستان ۴۵۲۵ کیلومترمربع و حدود ۳ درصد مساحت استان را شامل می‌شود. شهرستان خداآفرین دارای ۲۲۲ آبادی به مرکزیت شهر خمارلو است. آب‌وهوای شهرستان خداآفرین سرد و معتدل است. میانگین بارش سالانه ۳۱۲ میلی‌متر و دمای هوا بین ۲/۲ تا ۱/۲۳ درجه سانتی‌گراد در تغییر است (خدایی و همکاران، ۱۴۰۳).



شکل ۱. موقعیت منطقه مورد مطالعه در استان و کشور

۳-۳- روش کار:

در این طرح، از روش تحلیل شبکه اجتماعی به عنوان یک ابزار تحقیقی قدرتمند برای بررسی و ارزیابی ارتباطات اجتماعی و سیاستی در مناطق مختلف استفاده می‌شود. این روش به ما امکان می‌دهد تا با نگاهی شبکه‌ای به ارتباطات، نقش‌آفرینان و تأثیرگذاری‌ها در جوامع روستایی نگریسته و بهترین راهکارها را برای توسعه و آبادانی این مناطق شناسایی کنیم. تحلیل شبکه اجتماعی در این طرح به ما این امکان را می‌دهد که ساختار و ارتباطات میان اقشار مختلف جامعه روستایی را کشف کرده و به دنبال الگوها و ارتباطات اثرگذار در مسیر توسعه و پیشرفت باشیم. این رویکرد، به ما اطلاعات ثروتمندی ارائه می‌دهد که بهترین راهبردها و تصمیمات برای بهبود زندگی اجتماعی و اقتصادی در این مناطق را مشخص می‌کند. جامعه آماری این تحقیق، ۷۳ نفر از اعضای کانون‌های توسعه روستایی در سه روستای بسطاملو، دورمشکانلو و شرفه از توابع شهرستان خداآفرین استان آذربایجان شرقی است. سطح تحلیل در این تحقیق روستاها هستند و واحد تحلیل اعضای کانون‌های توسعه روستایی می‌باشند که پرسشنامه‌های لازم جهت انجام تحقیق توسط ۷۳ نفر از اعضای کانون‌های توسعه روستایی سه روستای مورد مطالعه تکمیل شده است که این افراد به روش تصادفی انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه‌ای محقق ساخته متمرکز بر اعضای کانون‌های توسعه روستایی بود که بر اساس مقیاس پنج‌درجه‌ای

لیکرت (از ۱=کاملاً مخالف تا ۵=کاملاً موافق) و شدت ارتباطات (میزان پیوندهای اعتماد و مشارکت) پیش از اجرای برنامه‌ها تکمیل گردید. روایی پرسشنامه با استفاده از دیدگاه‌ها و پیشنهادهای کارشناسان و اعضای هیئت علمی رشته‌های ترویج و توسعه روستایی دانشکده‌های کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران به دست آمد. برای برآورد پایایی ابزار پژوهش با انجام مطالعه مقدماتی (۳۰ پرسشنامه خارج از جامعه اصلی) و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ (ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۱) به دست آمد. در فرایند واکاوی شبکه تعاملات جامعه روستایی شهرستان خداآفرین، داده‌های مرتبط با روابط مشارکت و اعتماد در سکونتگاه‌های روستایی هدف استخراج و با به کارگیری معیارهای کلان تحلیل شبکه شامل تراکم ارتباطات (نسبت پیوندهای موجود به کل پیوندهای ممکن)، ضریب تمرکز^۱ (میزان انباشتگی روابط حول گره‌های مرکزی)، درجه انتقال پذیری، دوسویگی، میانگین فاصله ژئودزیک^۲ (کوتاه‌ترین مسیر بین گره‌ها) مورد ارزیابی قرار گرفتند. پردازش این شاخص‌ها با بهره‌گیری از نرم‌افزار تخصصی UCINET 6 و الگوریتم‌های تحلیل شبکه انجام پذیرفت که امکان استنتاج عینی از کیفیت سرمایه اجتماعی را فراهم کرد. این چارچوب تحلیلی با ترکیب سنج‌های کمی و رویکردهای ریاضی، امکان اندازه‌گیری نظام‌مند ظرفیت‌های مشارکت جمعی و سطح اعتماد متقابل در جامعه هدف را مهیا ساخته است.

۳-۴- روش تحلیل شبکه اجتماعی

امروزه یکی از مهم‌ترین ابزار برای مطالعه و تحلیل و مدل‌سازی ساختارهای اجتماعی و اقتصادی در بین ذینفعان محلی منابع طبیعی، روش تحلیل شبکه اجتماعی (SNA) است که در داخل کشور نیز تحقیقات در این زمینه انجام شده است. روش تحلیل شبکه‌ای ابزاری کمی و ریاضی است که می‌توان ساختارهای اجتماعی-اقتصادی را در بین ذینفعان محلی طراحی و تحلیل نمود. روش تحلیل شبکه‌ای بر اساس معیارها و شاخص‌های کمی قادر است روابط اجتماعی و تبادلات اقتصادی فی‌مابین افراد را در قالب یک ساختار شبکه‌ای دیداری نماید. ملاک تعیین معیارها و شاخص‌ها سند برنامه عمل تحلیل و ارزیابی اجتماعی-سیاستی پروژه‌های منابع طبیعی کشور (قربانی، ۱۳۹۸) است. در این تحقیق برای تحلیل ساختار الگوی روابط بین کنشگران مختلف از تئوری شبکه و اصول و مبانی آن استفاده شد که در چند دهه اخیر اهمیت زیادی پیدا کرده است.

1. Centralization

2. Average Geodesic Distance

جدول ۱. معیارها و شاخص‌های موردبررسی در شبکه‌های اجتماعی - سیاستی

شبکه	پیوند موردبررسی	سطح شبکه	شاخص‌های اندازه‌گیری شده	معیارهای اجتماعی - سیاستی
شبکه ذینفعان محل	اعتماد و مشارکت اجتماعی	سطح کلان	تراکم	میزان اعتماد و مشارکت، میزان انسجام اجتماعی و سرمایه اجتماعی
			تمرکز شبکه	ساختار الگوی روابط (ساختار بسته: تمرکز بالا؛ ساختار پراکنده: تمرکز پایین) و تصدی‌گری مشارکتی
			دوسویگی	میزان پایداری در هر شبکه و میزان اعتماد و مشارکت متقابل
			انتقال یافتگی پیوندها	میزان پایداری و توازن و تعادل شبکه
			میانگین فاصله ژئودزیک	سرعت گردش و تبادل اعتماد و مشارکت، وحدت، اتحاد، یگانگی و یکپارچگی افراد

۴- نتایج و تحلیل یافته‌های تحقیق

۴-۱- مشخصات فردی

طبق جدول ۲، مشخصات فردی جامعه محلی مورد مطالعه در شهرستان خداآفرین آورده شده است. بدین ترتیب که درصد پراکنش افراد بر اساس سن، جنسیت و تعداد اعضای خانوار در جدول آورده شده است. در روستای بسطاملو بیشتر پاسخ‌دهندگان در رنج سنی زیر ۴۰ سال قرار داشته و اکثر آن‌ها مرد می‌باشند و درصد زیادی از این افراد دارای تعداد اعضای خانوار بالای ۵ نفر است. در روستای دورمشکانلو بیشتر پاسخ‌دهندگان دارای رنج سنی ۴۰ تا ۵۰ سال قرار داشتند و بیشتر پاسخ‌دهندگان مرد و دارای تعداد اعضای خانوار بالای ۵ نفر بودند. در روستای شرفه بیشتر پاسخ‌دهندگان دارای رنج سنی زیر ۴۰ سال بوده و اکثر پاسخ‌دهندگان مرد و دارای تعداد اعضای خانوار ۳ تا ۵ نفر بودند.

جدول ۲. مشخصات فردی، شهرستان خداآفرین

روستا	سن (%)			جنسیت (%)		تعداد اعضای خانوار (%)		
	۴۰>	۵۰-۴۰	۶۰-۵۰	مرد	زن	۳>	۵-۳	۵<
بسطاملو	۳۵	۲۵	۱۵	۶۰	۴۰	۲,۵	۲۷,۵	۷۰
دورمشکانلو	۲۷,۵	۴۰	۷,۵	۶۷,۵	۳۲,۵	۲۲,۵	۲۰	۵۷,۵
شرفه	۴۰	۱۲,۵	۳۰	۷۵	۲۵	۵	۶۵	۳۰

۴-۲- سنجه‌های سطح کلان شبکه

به منظور بررسی شبکه روابط اجتماعی در جوامع روستایی شهرستان خداآفرین، اقدام به تکمیل پرسشنامه‌هایی مرتبط با اعتماد و مشارکت شد. در این مطالعه، اعضای کانون‌های توسعه روستایی به عنوان نقطه مرکزی شبکه روابط مورد تحلیل قرار گرفتند. هدف این ارزیابی، شناسایی و بررسی ساختار شبکه روابط میان ذینفعان بود. در این راستا، نتایج کلی شاخص‌های مربوط به سطح کلان شبکه، به تفکیک هر روستا، در جدول‌های ۳ تا ۵ ارائه شده است.

بر اساس داده‌های به دست آمده، میزان تراکم شبکه اعتماد در روستای بسطاملو، معادل ۷۶/۴ درصد بوده است. همچنین، تراکم شبکه مشارکت در این روستا به ۶۱/۷ درصد است که بیانگر سطح تقریباً بالای همبستگی و مشارکت اجتماعی است. علاوه بر آن، تمرکز درجه ورودی و خروجی در شبکه اعتماد برابر با ۲۴/۲ درصد و همین شاخص در شبکه مشارکت ۲۱/۶ درصد ثبت شده است. این شاخص‌ها نشان‌دهنده میزان متمرکز بودن شبکه و ارتباطات در آن هستند. شبکه‌هایی که دارای تمرکز پایین‌تری هستند، نشان‌دهنده توزیع متوازن‌تری از ارتباطات میان اعضای شبکه می‌باشند. در این مطالعه، این شاخص‌ها گویای توزیع گسترده‌تر روابط در شبکه‌های اعتماد و مشارکت است که می‌تواند به تقویت همکاری‌ها و تعاملات بین اعضا کمک کند. از طرف دیگر، سنجه دوسویگی در شبکه اعتماد ۵۸/۵ درصد و در شبکه مشارکت ۵۲/۲ درصد گزارش شده است که نشان‌دهنده روابط متقابل نسبتاً متوسطی بین اعضای این شبکه‌ها است (جدول ۳).

شاخص انتقال‌پذیری نشان‌دهنده میزان توانایی یک شبکه در حفظ تعادل ساختاری و مقاومت در برابر تغییرات غیرمنتظره یا بحران‌های احتمالی است. هرچه میزان انتقال‌پذیری پیوندها در یک شبکه بالاتر باشد، ثبات ساختاری آن افزایش می‌یابد و خطر فروپاشی کاهش پیدا می‌کند. بر اساس داده‌های جدول ۳، مشخص شده است که در روستای بسطاملو، شاخص انتقال‌پذیری برای شبکه اعتماد برابر با ۵۴/۹ درصد و برای شبکه مشارکت معادل ۶۱/۴ درصد است. این ارقام گویای آن هستند که این شبکه‌های اجتماعی از توانایی خوبی برای مقابله با بحران‌ها و حفظ پایداری در شرایط چالش‌برانگیز برخوردارند.

شاخص میانگین فاصله ژئودزیک به عنوان معیاری کلیدی در تحلیل شبکه‌های اجتماعی، سرعت انتقال اطلاعات و کیفیت تعاملات مبتنی بر اعتماد و مشارکت بین کنشگران را اندازه‌گیری می‌کند. هرچه مقدار این شاخص کاهش یابد، نشان‌دهنده کوتاه‌تر شدن مسیرهای ارتباطی و سهولت دسترسی ذی‌نفعان به یکدیگر در بازه‌های زمانی محدودتر است. این کاهش فاصله ارتباطی موجب تسریع گردش اطلاعات، افزایش کارایی هماهنگی بین اعضا و تقویت روابط مبتنی بر همبستگی اجتماعی می‌شود.

طبق یافته‌های پژوهش، مقادیر محاسبه شده این شاخص در شبکه‌های اعتماد و مشارکت به ترتیب ۷/۲۷ درصد و ۷/۵۰ درصد گزارش شده است (جدول ۳). این ارقام بیانگر آن است که شبکه مشارکت از کارایی بالاتری در ایجاد ارتباطات مستقیم بین کنشگران برخوردار است. این ساختار شبکه‌ای با کاهش هزینه‌های مذاکره و افزایش سرعت تصمیم‌گیری، بستر مناسبی برای نهادهای سازی مشارکت‌های جمعی در راستای دستیابی به توسعه پایدار فراهم می‌کند.

جدول ۳. سنجه‌های سطح کلان شبکه، شهرستان خداآفرین، روستای بسطاملو

شبکه‌ها	تراکم (%)	تمرکز درجه (%)		دوسویگی (%)	انتقال پذیری (%)	میانگین فاصله ژئودزیک
		ورودی	خروجی			
شبکه اعتماد	۷۶٫۴	۲۴٫۲	۲۱٫۶	۵۸٫۵	۵۴٫۹	۱٫۲۷
شبکه مشارکت	۶۱٫۷	۳۸٫۴	۴۶٫۳	۵۲٫۲	۶۱٫۴	۱٫۵۰

طبق جدول ۴، شاخص‌های شبکه‌های اجتماعی در روستای دورمشکانلو، در دو حوزه اعتماد و مشارکت به شرح زیر ارزیابی شده‌اند. در شبکه اعتماد، تراکم شبکه معادل ۵۶/۸ درصد است که نشان‌دهنده ارتباطات نسبتاً مطلوب میان اعضای شبکه است. همچنین، شاخص تمرکز درجه ورودی و خروجی به ترتیب در این شبکه ۲۸/۵ و ۳۷/۵۰ درصد بوده که بیانگر توزیع نسبی و متوازن ارتباطات در شبکه است. شاخص دوسویگی در شبکه اعتماد معادل ۶۰ درصد محاسبه شده که این مقدار نشان‌دهنده روابط متقابل مطلوبی است که می‌تواند بیانگر تعاملات دوسویه میان اعضا باشد. همچنین، شاخص انتقال پذیری ارتباطات در این شبکه ۵۶/۵ درصد به دست آمده که بالا بودن این مقدار به معنی توانایی بالای شبکه در حفظ پایداری در برابر تغییرات و بحران‌ها است.

در شبکه مشارکت، تراکم شبکه ۵۴/۶ درصد است که نشان‌دهنده سطح مطلوب‌تری از ارتباطات بین اعضا است. شاخص تمرکز درجه ورودی ۲۸/۱ درصد و شاخص تمرکز درجه خروجی ۲۸/۱ درصد به دست آمده که نشان‌دهنده توزیع نامتوازن ارتباطات در این شبکه است. شاخص دوسویگی در شبکه مشارکت ۶۹/۹ درصد بوده که نسبت به شبکه اعتماد بالاتر است که می‌تواند بیانگر پتانسیل بالای تعاملات بین اعضای شبکه باشد. از لحاظ انتقال پذیری ارتباطات، این شاخص در شبکه مشارکت ۵۳ درصد به دست آمده که نشان‌دهنده پایداری نسبی این شبکه است.

جدول ۴. سنجه‌های سطح کلان شبکه، شهرستان خداآفرین، روستای دورمشکانلو

شبکه‌ها	تراکم (%)	تمرکز درجه (%)		دوسویگی (%)	انتقال پذیری (%)	میانگین فاصله ژئودزیک
		ورودی	خروجی			
شبکه اعتماد	۵۶٫۸	۲۸٫۵	۳۱٫۵	۶۰	۵۶٫۵	۱٫۴۲
شبکه مشارکت	۵۴٫۶	۲۸٫۱	۲۸٫۱	۵۹٫۹	۵۳	۱٫۴۲

طبق داده‌های جدول ۵، شاخص‌های تحلیل شبکه‌های اجتماعی در روستای شرفه نشان‌دهنده تفاوت‌های قابل توجهی بین ساختار شبکه اعتماد و مشارکت است. شبکه اعتماد با تراکم ۴۲/۷ درصدی، از تراکم ارتباطی بسیار بالاتری نسبت به شبکه مشارکت (۲۹/۵ درصد) برخوردار است که حاکی از پیوندهای قوی‌تر و انسجام بیشتر در تعاملات مبتنی بر اعتماد است. در محاسبه شاخص تمرکز، شبکه اعتماد با میزان ۴۸/۵ درصدی در بعد ورودی و ۱۹/۶ درصدی در بعد خروجی، ساختاری غیرمتمرکز و توزیع شده را نشان می‌دهد، در حالی که شبکه مشارکت از سطح تمرکز بالاتری برخوردار است (۴۸ درصد).

برای درجه ورودی و ۲۷ درصد برای درجه خروجی). این تفاوت نشان دهنده وجود نقش های کلیدی تر و نهادهای واسط در هماهنگی فعالیت های مشارکتی است.

شاخص دوسویگی در شبکه اعتماد به ۳۳ درصد می رسد که بیانگر تقابل و تعامل متقابل نسبتاً پایین بین اعضاست، اما این رقم در شبکه مشارکت به ۲۵ درصد کاهش می یابد. همچنین انتقال پذیری در شبکه اعتماد ۴۶/۸ درصد و در شبکه مشارکت ۵۴/۷ درصد محاسبه شده که نشان می دهد اطلاعات و منابع در شبکه مشارکت با سهولت بیشتری میان اعضا جریان می یابد. میانگین فاصله ژئودزیک نیز در شبکه اعتماد ۱/۹۵ و در شبکه مشارکت ۱/۸۰ اندازه گیری شده است. این تفاوت حاکی از آن است که دسترسی به افراد و نهادهای مؤثر در شبکه اعتماد، با تعداد واسطه های بیشتری امکان پذیر است.

جدول ۵. سنجه های سطح کلان شبکه، شهرستان خداآفرین، روستای شرفه

شبکه ها	تراکم (%)	تمرکز درجه (%)		دوسویگی (%)	انتقال پذیری (%)	میانگین فاصله ژئودزیک
		ورودی	خروجی			
شبکه اعتماد	۴۲،۷	۴۸،۵	۱۹،۶	۴۷،۳	۴۶،۸	۱،۹۵
شبکه مشارکت	۲۹،۵	۴۸	۲۷	۳۷،۱	۵۴،۷	۱،۸۰

نتایج ارزیابی در روستاهای شهرستان خداآفرین نشان می دهد که سطح متوسط تا بالا در شبکه اعتماد و مشارکت برای روستاهای بسطاملو دورمشکانلو و سطح متوسط تا پایین برای روستای شرفه وجود دارد. وجود سرمایه اجتماعی قوی در این جوامع محلی، به ایجاد یک ساختار اجتماعی همبسته منجر شده است. در این چارچوب، ساکنان به صورت آگاهانه و فعالانه در فرآیندهای تصمیم گیری، برنامه ریزی و اجرای پروژه های مشارکتی در راستای دستیابی به توسعه پایدار مشارکت دارند. این یافته ها با نتایج مطالعات پیشین در این حوزه همسو است و تأییدکننده نقش کلیدی سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار محلی است (Avazpour et al. 2024; Navarro-Navarro et al. 2017; Ghorbani et al. 2024a).

این تحلیل شبکه اجتماعی با تمرکز بر الگوهای تعاملی، امکان نقشه برداری از ساختار قدرت و شناسایی نقاط کلیدی اثرگذار در پویایی های اجتماعی روستاها را فراهم می کند. بر اساس تحلیل شاخص تمرکز در شبکه روابط محلی، وضعیت تمرکز در پیوندهای اعتماد و مشارکت در روستاهای مورد مطالعه در سطح متوسط رو به پایین ارزیابی شده است. این یافته نشان دهنده توزیع نسبتاً برابر قدرت در بین اعضای شبکه است که به افزایش تأثیرگذاری بیشتر ذی نفعان در فرآیند تصمیم گیری مدیریت مشارکتی روستایی منجر می شود. مطالعات پیشین نیز این رابطه را تأیید کرده اند (اکبری و عوض پور، ۱۴۰۱؛ قربانی و همکاران، ۱۴۰۳). در بخش دیگر، شاخص های دوسویگی و انتقال پذیری پیوندها در سطح متوسط تا بالا قرار دارند که در روستای شرفه نیاز به تقویت بیشتر این ارتباطات را نشان می دهد. تقویت پیوندهای مبتنی بر اعتماد و مشارکت متقابل، پایداری شبکه را افزایش داده و ارزش های همکاری، تعاون و پایبندی به سنت های محلی را در بین اعضا نهادینه می کند. این امر به توسعه سرمایه اجتماعی و برنامه ریزی مشارکتی در پروژه های توسعه روستایی کمک می کند. یافته های این پژوهش با

مطالعات قربانی و همکاران (۲۰۱۸)، بوگارت و همکاران^۱ (۲۰۲۰)، ادواردز^۲ (۲۰۱۹) و اکبری و عوض پور (۱۴۰۱)، غفاری و همکاران (۲۰۲۴)، همسو است.

میانگین فاصله ژئودزیک در پیوندهای اعتماد و مشارکت، نشان‌دهنده سرعت مناسب گردش این روابط در بین افراد است. این شاخص با تأثیرگذاری بر زمان هماهنگی گروهی، نقش کلیدی در مدیریت مشارکتی ایفا می‌کند. تقویت این پیوندها به‌ویژه در حوزه مشارکت، منجر به کاهش زمان لازم برای اتحاد اعضای شبکه و ارتقای انسجام اجتماعی می‌شود. مطالعات مختلف (رمضانی و رحیمی، ۱۴۰۳؛ Gonzalez et al. 2019; Crona et al. 2017) بر اهمیت این موضوع در توسعه پایدار تأکید کرده‌اند.

۵- نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها ی سیاستی

با توجه به تأکیدات به‌عمل‌آمده بر پایداری اجتماعی، مردم محور بودن توسعه، تمرکززدایی و توسعه نهادی در رویکردها و نظریه‌های جدید توسعه پایدار روستایی و به‌تبع آن اهمیت یافتن جایگاه سرمایه اجتماعی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های توسعه‌ای در راستای تحقق توسعه پایدار سکونتگاه‌های محلی، شناخت وضعیت موجود سرمایه اجتماعی و توسعه آن در مناطق محلی به‌منظور شناخت الگوهای توسعه‌ای مبتنی بر شرایط مکانی و زمانی حاکم بر هر منطقه، از ضرورت ویژه‌ای برخوردار است.

درنهایت می‌توان بیان کرد در راستای توسعه پایدار روستایی به شناخت موانع و چالش‌های پیش رو نیاز است. شناخت و استفاده آگاهانه از سرمایه اجتماعی، فرصتی برای ایجاد ظرفیت در جهت مشارکت در توسعه روستایی است (Ghorbani et al. 2018). به‌طورکلی جهت موفقیت در توسعه روستایی، به تقویت سرمایه اجتماعی از طریق اعتماد و مشارکت و به دنبال آن افزایش انسجام اجتماعی نیاز است. تشکیل کانون‌های آبادانی و پیشرفت روستایی ازجمله راهکارهای افزایش اعتماد و مشارکت در بین افراد و افزایش سرمایه اجتماعی است؛ به‌طوری‌که سرمایه اجتماعی در قالب تشکلهای محلی سبب کاهش فقر و افزایش رفاه جامعه شده که خود بسترساز دستیابی به توسعه پایدار روستایی است. بنابراین تحقیق حاضر باهدف بررسی سرمایه اجتماعی روستاییان در راستای توسعه پایدار محلی در روستاهای شهرستان خداآفرین استان آذربایجان شرقی انجام شده است. نتایج نشان‌دهنده سرمایه اجتماعی بالا در روستاهای مورد مطالعه است که این مهم دستیابی به توسعه پایدار محلی در منطقه مورد مطالعه را تسهیل می‌نماید. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده برخی پیشنهادها ی سیاستی و اجرایی به شرح ذیل آورده شده است:

- برای تقویت سرمایه اجتماعی و افزایش مشارکت مردمی، سیاست‌گذاران باید اقداماتی مشخص را مدنظر قرار دهند. برگزاری کارگاه‌های آموزشی، ایجاد بسترهای مناسب برای تعاملات اجتماعی و ترویج فعالیت‌های جمعی می‌تواند به افزایش اعتماد و همکاری میان اعضای جامعه منجر شود.

- پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی با انجام مطالعات مشابه در مناطق دیگر یا با استفاده از حجم نمونه بزرگ‌تر، به بررسی تأثیرات سرمایه اجتماعی بر مدیریت مشارکتی بپردازند.
- شناسایی عواملی که موجب موفقیت یا شکست پروژه‌های مشابه می‌شوند می‌تواند به غنای ادبیات علمی در این زمینه کمک کند و راهکارهای مؤثری برای سیاست‌گذاران فراهم آورد.
- یافته‌های این پژوهش باید به عنوان یک الگو برای سایر طرح‌های توسعه روستایی در ایران مورد استفاده قرار گیرد تا بتواند به دستیابی به اهداف توسعه پایدار کمک کند. به‌ویژه، لازم است که برنامه‌ریزان و مدیران پروژه‌ها از تجربیات موفق در این زمینه بهره‌برداری کنند و با توجه به ویژگی‌های خاص هر منطقه، راهکارهای مناسبی را برای افزایش سرمایه اجتماعی و تقویت مشارکت مردمی طراحی کنند. این رویکرد نه تنها به بهبود کیفیت زندگی روستاییان کمک خواهد کرد بلکه می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد جوامع پایدارتر و تاب‌آورتر در برابر چالش‌های آینده باشد.

تشکر و قدردانی

پژوهش حاضر با حمایت پژوهشکده سوانح طبیعی و مؤسسه کسب و کار اجتماعی دانشگاه تهران انجام شده است. نویسندگان از این نهادها بابت حمایت‌های ارزشمندشان قدردانی می‌کنند.

منابع

منابع داخلی

- ابراهیمی آذرخواران، فریبا، مهدی قربانی، علی سلاجقه و محسن محسنی ساروی، ۱۳۹۳. تحلیل شبکه اجتماعی ذینفعان محلی در برنامه عمل مدیریت مشارکتی منابع آب (مطالعه موردی: رودخانه جاجرود در حوزه آبخیز لتیان- روستای دربندسر). نشریه علمی- پژوهشی علوم و مهندسی آبخیزداری ایران. ۸(۲۵): ۵۶-۴۷.
- اذانی، مهری؛ رضا مختاری ملک‌آبادی و شهره مولایی، ۱۳۹۲. بررسی شاخص‌های توسعه پایدار محله‌ای منطقه ۱۳ اصفهان. مجله برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)، ۲(۹): ۱۱۹-۱۴۲. 20.1001.1.22287485.1392.3.2.9.8
- اسلامی، ایمان، حسین ابراهیم‌زاده و اباذر اشتیری مهرجردی، ۱۳۹۸. تحلیل شبکه اجتماعی از مدیریت مشارکتی و سرمایه اجتماعی در میان بهره‌برداران دام در استان یزد. توسعه محلی (روستایی- شهری)، ۱۱(۲): ۴۸۳-۵۰۰. 10.22059/jrd.2019.76781
- اکبری، الهام و لیلا عوض پور، ۱۴۰۱. تحلیل پویایی سرمایه اجتماعی در توسعه و توانمندسازی جوامع محلی در مناطق خشک؛ کاربرد تحلیل شبکه اجتماعی. نشریه علمی- پژوهشی مرتع و آبخیزداری. دوره ۷۵. شماره ۳. صص ۳۴۵-۳۳۳. 10.22059/jrwm.2022.351397.1685
- پور رضا کریم سرا، ناصر و حسین دهقان، ۱۳۹۸. نقش مگامال‌ها و مغازه‌های محلی در سرمایه اجتماعی محلی شهروندان تهرانی. توسعه محلی (شهری- روستایی)، ۱۱(۲): ۳۸۷-۴۰۸. 10.22059/jrd.2019.76753
- خدایی، علی و رحمان زندی، ۱۴۰۳. پایش تغییرات زمانی کاربری اراضی شهرستان خداآفرین و کلیبر با استفاده از فناوری سنجش‌ازدور، نشریه علوم محیطی، ۲۲(۲): ۲۴۴-۲۲۵. 10.48308/envs.2023.1341
- رمضانی، سعید و مجید رحیمی، ۱۴۰۳. نظام حکمرانی آلودگی هوا: کاربرد تحلیل شبکه سازمانی در اجرای قانون هوای پاک. نشریه حکمرانی منابع طبیعی. دوره ۱. شماره ۱. صص ۴۹-۳۹. 10.22059/jnrg.2024.367281.1005

- قربانی، مهدی و لیلا عوض پور، ۱۳۹۶. تحلیل خصوصیات ساختاری شبکه زنان روستایی در استقرار مدیریت مشارکتی مناطق بیابانی، نشریه تحقیقات مرتع و بیابان ایران، ۲۴(۲): ۳۸۳-۳۹۱. <https://doi.org/10.22092/ijdr.2017.113132>
- قربانی، مهدی. (۱۳۹۸). سند برنامه عمل تحلیل و ارزیابی اجتماعی - سیاستی پروژه‌های منابع طبیعی کشور، انتشارات دانشگاه تهران، ۶۵ صفحه.
- قربانی، مهدی، سید امیرحسین گرکانی، مینا حمیدی، سجاد امیری، مجید رحیمی، ۱۴۰۳. ارزیابی سرمایه اجتماعی اجتماعات محلی در راستای حکمرانی سرزمین (منطقه مورد مطالعه: شهرستان تفتان)، نشریه مرتع و آبخیزداری، ۷۸(۱): ۱۷-۲۷. <http://doi.org/10.22059/jrwm.2024.291226.1759>
- قربانی، مهدی، سید امیرحسین گرکانی، لیلا عوض پور، مریم یزدان پرست و سجاد امیری، ۱۴۰۳. پویایی سرمایه اجتماعی شبکه ذی‌نفعان محلی در راستای مدیریت مشارکتی روستایی مطالعه موردی: شهرستان گچساران. فصلنامه پژوهش‌های روستایی. دوره ۱۵. شماره ۳. صص ۱۰۹-۱۲۵. [10.22059/jrur.2025.373794.1924](https://doi.org/10.22059/jrur.2025.373794.1924)
- قربانی، مهدی؛ لیلا عوض پور و محسن یوسفی و صادق حیدری کهن‌علی، ۱۳۹۷. ارزیابی خصوصیات ساختاری سرمایه اجتماعی شبکه ذینفعان محلی در راستای حکمرانی مشارکتی منابع طبیعی (منطقه مورد مطالعه: شهرستان سرایان، استان خراسان جنوبی)، نشریه مرتع و آبخیزداری، ۷۱(۱): ۲۴۱-۲۵۲. <https://doi.org/10.22059/jrwm.2017.203990.995>
- قربانی، مهدی؛ لیلا عوض پور، مجید رحیمی، هما موسوی و بهناز اسماعیلی، ۱۳۹۷. تحلیل سرمایه اجتماعی درون‌گروهی در راستای مدیریت مشارکتی مناطق خشک، تحقیقات مرتع و بیابان ایران، ۲۵(۲): ۳۷۸-۳۸۷. <https://doi.org/10.22092/ijdr.2018.116849>
- قربانی، مهدی؛ لیلا عوض پور، محسن یوسفی، ۱۳۹۴. تحلیل و ارزیابی سرمایه اجتماعی در راستای تقویت تاب‌آوری جوامع محلی و مدیریت پایدار سرزمین منطقه مورد مطالعه: استان خراسان جنوبی، پروژه بین‌المللی (RFLDL)، نشریه مرتع و آبخیزداری، ۶۸(۳): ۶۲۵-۶۴۵. <https://doi.org/10.22059/jrwm.2015.56141>
- کاظمیان، غلامرضا؛ وجه الله قربانی زاده و سعید شفیعا، ۱۳۹۲. دستیابی به توسعه پایدار محلی از طریق ظرفیت اجتماعی ساکنین و فعالان اقتصادی محله غیررسمی، مطالعه موردی: محله شمیران نو، فصلنامه مطالعات شهری، ۱(۴): ۳-۱۲.

منابع خارجی

- Avazpour, L. Ghorbani, M. Naderi, A. Fakhar Izadi, N. Azadi, H. & Yazdanparast, M. 2024. Dryland co-management in Kerman province, Iran: a dynamic analysis of social networks. *Environment, Development and Sustainability*, 1-21. <https://doi.org/10.1007/s10668-023-04346-y>
- Baharuddin, A. Niswaty, R. Salam, R. & AdministrationProgram, B. 2021. Community empowerment in rural areas through the integration of business research learning industry. *Volatiles & Essential Oils*, 8(4): 14692-14704. <https://doi.org/10.1080/0376835X.2016.1231054>
- Bakel, M. & Horak, S. (2024). Social Capital Theory (pp. 261-267). In Hutchings, K. Michailova, S. & Wilkinson, A. *A Guide to Key Theories for Human Resource Management Research*, Cheltenham: Edward Elgar. DOI: <https://doi.org/10.4337/9781035308767.ch33>
- Basuki, B. 2015. Eco-efficiency and sustainable development as efforts to produce environmentally friendly products: An exploratory case study. *Issues in Social and Environmental Accounting*. 9(3): 199. <https://doi.org/10.22164/isea.v9i3.105>
- Bogart, L. M. Matovu, J. K. Wagner, G. J. Green, H. D. Storholm, E. D. Klein, D. J. ... & Kambugu, A. 2020. A pilot test of game changers, a social network intervention to empower people with HIV to be prevention advocates in Uganda. *AIDS and Behavior*, 24, 2490-2508. <https://doi.org/10.1007/s10461-020-02806-4>
- Crona, B. Gelcich, S. & Bodin, Ö. 2017. The importance of interplay between leadership and social capital in shaping outcomes of rights-based fisheries governance. *World Development*, 91, 70-83. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2016.10.006>
- Edward Tuah, M. A. Tedong, P. A. & Md. Dali, M. 2022. The Challenges in Rural Infrastructure Planning Governance in Sarawak. *Planning Malaysia*, 20. <https://doi.org/10.21837/pm.v20i24.1214>

- Edwards Jr, D. B. 2019. Shifting the perspective on community-based management of education: From systems theory to social capital and community empowerment. *International Journal of Educational Development*, 64, 17-26. <https://doi.org/10.1016/j.ijedudev.2018.11.004>
- Ghorbani, M. & Azadi, H. (2021) A social-relational approach for analyzing trust and collaboration networks as preconditions for rangeland comanagement. *Rangeland Ecology & Management*, 75, 170-184. <https://doi.org/10.1016/j.jnc.2025.126888>
- Ghorbani, M. Avazpour, L. & Rasekhi, S. 2016. Social Capital Analysis of Rural Women Network in Line with Empowerment of Local. *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 5(2), 273-294. 10.22059/jisr.2016.59243
- Ghorbani, M. Avazpour, L. Rahimi, M. Mousavi, H. & Esmaeli, B. 2018. Analysis of bonding social capital towards co-management of dry lands. *Iranian Journal of Range and Desert Research*, 25(2), 378-387. <https://doi.org/10.22092/ijrdr.2018.116849>
- Ghorbani, M. Esmaeli, B. Akbari, E. Yazdanparast, M. & Avazpour, L. 2024. Measuring the adaptive capacity of rangeland users under drought stress in North-eastern Iran: application of social network analysis. *Journal of Arid Environments*, 225, 105254. <https://doi.org/10.1016/j.jaridenv.2024.105254>
- Ghorbani, M. Garakani, S.A. Avazpour, L. Yazdanparast, M. & Amiri, S. (2024b). Social Capital Dynamic of Local Stakeholder Network in Rural Co-Management: the case study of Gachsaran county. *Journal of Rural Research*, 15(3), 109-125. (In Persian). 10.22059/jrur.2025.373794.1924
- Gonzalez, M. Sanders-Jackson, A. & Henriksen, L. 2019. Social capital and tobacco retail outlet density: an empirical test of the relationship. *American Journal of Health Promotion*, 33(7), 1020-1027. <https://doi.org/10.1177/0890117119853716>
- Islam, M. R. & Morgan, W. J. 2012. Non-governmental organizations in Bangladesh: their contribution to social capital development and community empowerment. *Community Development Journal*, 47(3), 369-385. <http://www.jstor.org/stable/26166039>
- Kasumaningrum, Y. Azis, Y. Saefullah, K. Adiatma, Y & Siregar, M. 2024. Investigating the Impact of Social Capital, Cross-Sector Collaboration, and Leadership on Social Innovation in Rural Social Enterprises. *Journal of Human, Earth, and Future*, 5(1), 111-130. <http://dx.doi.org/10.28991/HEF-2024-05-01-09>
- Katikiro, RE, Macusi, ED & Deepananda, KHM, 2015. Challenges facing local communities in Tanzania in realising locally-managed marine areas. *Marine Policy*, 51, 220–229. doi: 10.1016/j.marpol.2014.08.004
- Klarin, T. 2018. The concept of sustainable development: From its beginning to the contemporary issues. *Zagreb International Review of Economics and Business*, 21(1): 67–94. <https://doi.org/10.2478/zireb-2018-0005>
- Lin, X. Lu, R. Guo, L. & Liu, B. (2019). Social capital and mental health in rural and urban China: a composite hypothesis approach. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 16(4), 665. <https://doi.org/10.3390/ijerph16040665>
- Manaf, N. A. & Ibrahim, K. (2017). Poverty reduction for sustainable development: Malaysia's evidence-based solutions. *Global Journal of Social Sciences Studies*, 3(1), 29-42. DOI: 10.20448/807.3.1.29.42
- Meyer, M. L. (2019) Social by default: characterizing the social functions of the resting brain. *Current Directions in Psychological Science*, 28(4), 380-386.
- Mia, Md. T. Islam, M. Sakin, J. & Al-Hamadi, J. 2022. The role of community participation and community-based planning in sustainable community development. *Asian People Journal*, (APJ) 5(1): 31– 41. <https://doi.org/10.37231/apj.2022.5.1.296>
- Musavengane, R. & Simatele, D. M. (2016). Community-based natural resource management: The role of social capital in collaborative environmental management of tribal resources in KwaZulu-Natal, South Africa. *Development Southern Africa*, 33(6), 806-821. <https://doi.org/10.1080/0376835X.2016.1231054>
- Navarro-Navarro, L. A. Moreno-Vazquez, J. L. & Scott, C. A. 2017. Social networks for management of water scarcity: Evidence from the San Miguel Watershed, Sonora, Mexico. *Water Alternatives*, 10(1), 41. <http://www.water-alternatives.org/index.php/alldoc/articles/vol10/v10issue1/341>
- Ramón-Hidalgo, A. E. Harshaw, H. W. Kozak, R. A. & Tindall, D. B. (2020) What a Small Group of People Can ('t) Do: An Analysis of Capable Agents for the Mobilization of Social Capital in Two Ghanaian Ecotourism Projects. *Sociology of Development*, 6(3), 338-367. <https://doi.org/10.1525/sod.2020.6.3.338>
- Ramón-Hidalgo, A. E. Kozak, R. A. Harshaw, H. W. & Tindall, D. B. (2018). Differential effects of cognitive and structural social capital on empowerment in two community ecotourism projects in Ghana. *Society & Natural Resources*, 31(1), 57-73. DOI: 10.1080/08941920.2017.1364454

- Rodríguez, G.C. González, A.B. Román, C.P & Feito, C.D. (2022). How sustainable human resources management helps in the evaluation and planning of employee loyalty and retention: Can social capital make a difference? *Evaluation and Program Planning*, <https://doi.org/10.1016/j.evalprogplan.2022.102171>
- Salleh, A.R. Mustaffa, N.K. Mat. C.M. Aziz, A, S. 2024. *Challenges and Strategies of Rural Community Towards Sustainable Development*, <https://www.researchgate.net/publication/384609084>
- Setini, M. Yasa, N. N. K. Supartha, I. W. G. Giantari, I. G. A. K. & Rajiani, I. 2020. The passway of women entrepreneurship: Starting from social capital with open innovation, through to knowledge sharing and innovative performance. *Journal of Open Innovation: Technology, Market, and Complexity*, 6(2), 25. <https://doi.org/10.3390/joitmc6020025>
- Weaver, R. D. and Habibov, N. (2012). Social capital, human capital, and economic well-being in the knowledge economy: Results from Canada's General Social Survey, *Journal of Sociology & Social Welfare*, 32 (2): 31-53.